

## عواقب حقوقی

# انصراف نامزدها از ازدواج

مقاله‌ای که پیش رو دارید چهارمین قسمت از سلسله مقالات «نگاهی به حقوق خانواده در قانون مدنی ایران» است. در سه قسمت قبل گفته شد که قوانین و مقررات مربوط به نظام خانواده در قانون مدنی ایران در دو بخش کلی «نکاح و احکام آن» و «طلاق و احکام آن» در مواد ۱۰۳۴ تا ۱۱۵۷ آمده است. در شماره‌های قبل توضیحاتی پیرامون ماده ۱۰۳۴ و خواستگاری ارائه شد. همچنین با مواد قانونی و حقوقی نامزدی و دیدگاه‌های حقوقدانان درباره الزام آوردن با نبودن وعده ازدواج آشنا شدید. آنچه در این شماره مورد بررسی قرار گرفته عواقب حقوقی انصراف نامزدها از ازدواج است:

با عنایت به متن ماده اینک چند مسأله را مورد مطالعه و بررسی فرامی‌دهیم:

### ۱- بررسی ریشه فقهی ماده ۱۰۳۶

قانونگذار در این ماده با تکیه روی کلمه «مغرور شده» به ریشه این ماده قانونی که در ققه به نام قاعده «غرور» معروف است اشاره می‌کند.<sup>۱</sup> پس اساس این ماده نظریه‌ایست که در فقه «غرور در اتلاف» خوانده می‌شود یعنی به علت وعده ازدواج، طرف مقابل، مغرور شده (فرب خورد) و مخارجی کرده و مال خود را بر سر این کار تلف کرده است. غرور در اتلاف در ماده ۳۲۵ قانون مدنی مورد بحث واقع شده است.<sup>۲</sup>

استاد عالی مقام شهید مطهری رضوان... تعالی

در بحث قبل، ذیل ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی و به عنوان آخرین نکته گفتیم که خسارات موضوع این ماده، غیر از خسارات ناشی از مخارج و هزینه‌هایی است که برای نامزدی صورت گرفته. این قبیل خسارات به موجب ماده ۱۰۳۶ که اکنون مورد بحث ماست، قابل مطالبه است. ماده ۱۰۳۶ می‌گوید: «اگر یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون علت موجهی بهم بزند، در حالی که طرف مقابل با ابون او، یا اشخاص دیگر به اعتماد وقوع ازدواج مغرور شده و مخارجی کرده باشند، طرفی که وصلت را بهم زده است باید از عهده خسارات وارده برآید. ولی خسارات مزبور فقط مربوط به مخارج متعارفه خواهد بود.»

علیه، مستند این ماده را علاوه بر قاعده «غرور» قاعده «تسبب»<sup>۲</sup> نیز می‌دانند. ایشان می‌نویسند: «به علاوه در قانون مدنی تسبیب یکی از موجبات ضمان تهری شناخته شده و از ماده ۳۳۲ که مربوط به تسبیب است نیز می‌توان ضمان طرف متخلف را در اینگونه موارد استفاده کرد.»<sup>۳</sup>

لازم به ذکر است این ماده ضمن اصلاحاتی که در مواد قانون مدنی صورت گرفت، در تاریخ ۶۱/۱۰/۸ حذف شد. اما دلیل موجه شرعی و منطقی برای این حذف به نظر نمی‌رسد و این قبیل خسارات شرعاً و قانوناً قابل مطالبه است و ماده‌ای که حذف گردیده نیز با موازین شرعی و قانونی کاملاً منطبق می‌باشد زیرا، «فرض مسأله در ماده فوق بر این است که طرفی که به او وعده نامزدی داده شده، خود یا کسانش با این وعده سرور شده و مخارجی را متحمل می‌شوند و با بهم خوردن نامزدی از این رهگذر متضرر می‌گردند. به نظر می‌رسد همانگونه که از کلمه «مغرور» در ماده فوق برمی‌آید اینگونه خسارات شرعاً و به موجب قاعده «غرور» قابل مطالبه است. ممکن است گفته شود که استناد به قاعده غرور در این مورد موجه نیست، زیرا در صدق عنوان «غار» لازم است که قصد و عمد برای گول زدن وجود داشته باشد و در مانحن فیه چنین نیست. اما این استدلال صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا در صدق عناوین همیشه وجود عمد و قصد لازم نیست، مثلاً در ضارب و مضروب این عناوین صدق می‌کند، بدون اینکه قصد و عمدی در زدن و خوردن وجود داشته باشد و تنها در موارد خاصی لازم است قصد و عمد وجود داشته باشد که آنها را عناوین تصدییه می‌گویند، مانند «تعظیم و توهین» که بدون وجود قصد و عمد این عناوین مسکن نخواهد شد»<sup>۱</sup>.

## ۲- کیفیت امتناع نامزد از وصلت منظور:

چنانکه ملاحظه شد، طبق ماده ۱۰۳۵، امتناع یکی از نامزدها از وصلت، صرفاً موجب توجه خسارت به طرف دیگر نمی‌شود، اگر چه امتناع از طرف مرد باشد،

بر این مبنا، قانونگذار مطالبه هرگونه خسارت را به خاطر صرف امتناع منع نموده است. اما در صورتی که در اثر امتناع یکی از نامزدها از وصلت، خسارتی به طرف مقابل وارد آمده باشد، مثل مخارجی که در اثر نامزدی، یکی از زوجین مقدماً برای ازدواج نموده، مانند اجاره کردن خانه، تهیه اسباب و وسایل زندگی، تهیه جهیزه و امثال آن، برای مطالبه‌ی جبران آن - به استناد ماده ۱۰۳۶ - باید علت امتناع نامزد را جستجو کرد و آن یکی از دو صورت زیر است:

### الف: امتناع از وصلت علت موجهی دارد:

اگر وضعیت یکی از دو نامزد موجب شده تا نامزد دیگر وصلت را بر هم زند (مثلاً معلوم گردد وی با دیگری رابطه نامشروع داشته یا محکومیت کبفری دارد و یا وضعیت خانوادگی و اجتماعی که بر اساس آن خواستگاری شده برخلاف درآید) کسی که وصلت را بر هم زده مسؤول پرداخت خسارات طرف خود نمی‌باشد، زیرا اوسب توجه خسارت شناخته نمی‌شود، بلکه سبب آن امر، پنهان داشتن وضعیت اخلاقی، مالی، خانوادگی و اجتماعی... از طرف نامزد دیگر بوده است، بنابراین او، خود سبب توجه خسارت به خود می‌باشد.

### ب: امتناع نامزد از وصلت علت موجه ندارد:

اگر یکی از دو نامزد بدون دلیل موجه و منطقی وصلت را بر هم زند مسؤول است. مثلاً اگر کسی که از وصلت امتناع کرده آدمی عصبانی و بد اخلاق و دارای رذیله سوء ظن و بدگمانی است و در اثر این وضعیت، وصلت با نامزد خود را بر هم زده است، بدون علت موجه محسوب و باید خسارت نامزد دیگر را که در اثر وعده ازدواج متحمل گردیده بدهد. زیرا در این صورت، اوست که سبب توجه خسارت به طرف خود شده است.

## ۳- چه کسانی حق مطالبه خسارت دارند؟

طبق ماده ۱۰۳۶ نه تنها طرف متخلف ضمان مخارجی که شخص نامزد متحمل شده است می‌باشد بلکه ضمان مخارج ابرین یا اشخاص دیگر نیز می‌باشد.

طبق صراحت ماده کسانی که می توانند در اثر برهم زدن نامزدی از کسی که امتناع از وصلت کرده مطالبه خسارت نمایند سه دسته اند:

۱- طرف مقابل

۲- ابوی او

۳- اشخاص دیگر

دو دسته اول کاملاً مشخص و معلومند. می ماند دسته سوم. سؤال این است که دسته سوم یعنی، «اشخاص دیگر» چه کسانی هستند؟ به اعتقاد اغلب حقوقدانان «اشخاص دیگر» کسانی هستند که در امر ازدواج مستقیماً دخالت داشته اند مانند ولی و قسیم یا کسانی که در اثر نبودن ابوی و سایر اجداد نامزدها را فراهم نموده اند مانند عمو، برادر و امثال آنها.

۴- چه نوع خساراتی قابل مطالبه است؟

بر فرض اینکه یکی از نامزدها، بدون علت موجه و قابل قبول، از وصلت امتناع کرده و خساراتی را بر طرف مقابل خود وارد نماید، نامزد دیگر که متحمل زیان گردیده، حق مطالبه چه چیزی را دارد؟  
بند آخر ماده ۱۰۳۶ پاسخی است به این سؤال که می گوید: «... ولی خسارت مزبور فقط مربوط به مخارج متعارف خواهد بود».

با توجه به قسمت اخیر ماده و در پاسخ به سؤال فوق باید گفت قانون مدنی مخارج متعارفی را که طرفین به اعتماد وقوع ازدواج نموده اند قابل مطالبه می داند.

سؤال دیگری که همین جا و ضمن سؤال اصلی پیش می آید اینست که منظور از مخارج متعارف چیست؟ یکی از حقوقدانان در این خصوص می گوید: «منظور از مخارج متعارف هزینه های لازمی است که به اعتبار شخصیت خانواده می باشد، برای ازدواج می نمایند از قبیل اجاره کردن خانه، تهیه وسایل زندگی مانند دوختن لباس و امثال آن که هرگاه امر ازدواج نمی بود چنین هزینه هایی را نمی نمودند و در اثر برهم زدن وصلت آن وسایل مورد استفاده منظور قرار نمی گیرند و به قیست کمتر باید بفرهشند، اما مخارج غیرتعارف از

**\* قانون مدنی ایران مخارج متعارفی که طرفین به اعتماد وقوع ازدواج نموده اند را قابل مطالبه می داند.**

**\* در قانون مدنی ایران ماده ای که بتوان با استناد به آن خسارات معنوی ناشی از بهم زدن نامزدی را مطالبه کرد وجود ندارد.**

قبیل میهمانیهای معاشره و آشنایی، مسافرتها، تفریحی و امثال آن قابل مطالبه نمی باشد، زیرا این امور زواید هستند که عرف هم لازم نمی داند و مستقیماً نامزدی سبب نشده است.<sup>۵</sup>

### ۵- خسارات معنوی ناشی از برهم زدن وصلت:

در صورتی که یکی از نامزدها وصلت منظور را بدون عذر موجه برهم زند و خساراتی را به نامزد دیگر تحمیل کند آیا این خسارات تنها خسارات مادی است یا شامل خسارات معنوی هم می شود و در صورتی که خسارات معنوی هم در میان باشد، این نوع از خسارت چگونه قابل مطالبه است؟ اصل وجود خسارات معنوی در این گونه موارد امری است که قابل تردید و انکار نیست. یکی از علمای حقوق ایران که معتقد به وجود خسارات معنوی در این زمینه است می گوید: «خسارت معنوی ناشی از امتناع از وصلت بر دو قسم است:

الف: تأثرات روحی که برای نامزد دیگر در اثر امتناع از وصلت نامزد حاصل شده است.

ب: هتک احترام اجتماعی نامزد که در اثر امتناع طرف دیگر از وصلت به او متوجه شده است. از قبیل افتادن سر زبانه ها و نزدیکی نشدن دیگری برای ازدواج با او امثال آن.<sup>۶</sup> چنانکه ملاحظه می کنید این قسم از خسارات، بهر حال وجود دارد ولی در قانون مدنی ما، ماده ای که به استناد آن این گونه خسارات را بتوان مطالبه کرد وجود ندارد. منطبق حقوقی و نیز عدالت و انصاف قضایی ایجاب می کند که آنها بدون جبران نماند و برای جبران خسارات معنوی هم فکری شود.

اگر چه در محاکم، همیشه قاضی موظف است حتی اگر نه صریحی برای حکم نیابد، با استمداد از روح قانون سؤال را حل نماید اما در اینجا حتی نمی شود به روح قانون نیز استناد کرد، یعنی هیچ قرینه ای در دست نیست. بنابراین باید به نقص قانون مدنی در این باره اشاره کرد و جبران خسارات معنوی را نیز باید بوسیله وضع قانون جدیدی بر طرف ساخت. چنانکه در بعضی از کشورها وجود دارد. مثلاً در سوئیس، ماده ۹۳

قانون مدنی اجازه مطالبه اینگونه خسارات را داده است و به دادرس اجازه می دهد که بتواند آنرا با توجه به اوضاع و احوال قضیه به پول تقدیم و تبدیل نماید.

ادامه دارد...

### زرنویس ها

۱- قاعده غرور عبارت از اینست که، «هرگاه کسی شخص دیگری را فریب دهد و در نتیجه موجب تلف مالی او گردد بدینگونه که در کاری تدلیس کند یا به چیزی غش بزند یا به عنوان مالک بودن، ملک شخصی دیگری را بفروشد، باید از عهده ضرر شخصی که فریب خورده برآید. بنای این قاعده، اجماع فقها، و اصولیین و عبارات مشهوره *الْمُغْرُورُ بِتَرْجِيحِ الْيُمْنِ مَنْ عَرَّضَ يَسْتَأْذِنُ* (که اگر روایت هم نباشد از مضمون روایاتی که در قاعده همان اتلاف به آنها استدلال شده استنباط و اصطلاح گردیده است).

ر. ک. محمود شهباس، قواعد فقه، ج دوم، مهرماه ۱۳۲۶، ص ۱۰۱- نیز محقق داماد، قواعد فقه. همچنین محمدرضا عقیق، اصول الفقه، بحث قواعد. و مرحوم آیت الله بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱.

۲- قاعده تلف نیز عبارت از اینست که، «هرگاه شخصی مال کسی را تلف کند ضامن است که آنرا جبران و تقاضا نماید، بدین ترتیب که مثل با قیمت آنرا به صاحبش بپردازد. برای اثبات این قاعده به دلایل زیر استدلال شده است:

الف- اجماع ب- اخبار

از جمله اخبار خیر «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» و غیر «استحرام مال» و دیگر اخباری است که در این باب رسیده و از جمله آنها عبارت «مَنْ أَلْتَفَ مَالَ الْغَنِيِّ فَهُوَ لَهْ سَائِمٌ» می باشد که به عنوان غیر استظهار دارد.

۳- ر. ک. ضایع حد کولا در ذیل شماره ۱.

۴- شهید مطهری- نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۹، نیز ماده ۳۳۴ قانون مدنی که می گوید: «هرگاه یک نفر سب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سب القوی باشد، به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد».

۵- ر. ک. محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۳۶.

۶- دکتر سید حسن امامی- حقوق مدنی، ج ۴- ص